

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۲/۲۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۴/۳

چکیده

زمینه و هدف: هدف این مطالعه بررسی علل و عوامل خشونت و پرخاشگری تماشاگران ورزش در ورزشگاهها و راهکارهایی جهت کاهش این معضل اجتماعی است تا با تحلیل کارکرد اجزای تشکیل دهنده‌ی ساختار رفتار تماشاگران، مشخص شود اختلال در کدام یک از آنها سبب بروز "سوء کارکرد" می‌گردد. گسترش روزافزون ورزش سبب شده است که مرزهای جغرافیایی، نژادی، قومی، سیاسی و عقیدتی را در نوردد. تحلیل گران اجتماعی و فرهنگی در دهه‌های اخیر به پژوهش درباره‌ی انواع آداب، مناسک، ارزش‌ها و الگوهای اجتماعی رایج در ورزش مبادرت ورزیده‌اند. از جمله مسائل مهمی که به ویژه در دو دهه‌ی اخیر مورد توجه اندیشمندان اجتماعی و جامعه‌شناسان قرار گرفته، بررسی و تبیین رویدادها و حوادث خشونت بار مربوط به مسابقات ورزشی است. "خشونت ورزشی" چیست و چه عامل‌هایی در بروز آن مؤثر هستند؟

روش: در این پژوهش، رفتارهای پرخاشجویانه و بعضاً خشونت آمیز تماشاگران مسابقات فوتبال جام قهرمانی باشگاههای ایران در شهر بوشهر، سال ۱۳۹۱-۱۳۹۵ مورد مطالعه جامعه‌شناختی قرار گرفته‌اند.

یافته‌ها و نتایج: نتیجه پژوهش حاضر در مورد ۳۰۰ نمونه تصادفی تماشاگران و طرفداران شاهین بوشهر و ایرانجوان است که ضمن اذعان به بحرانی نبودن رفتار طرفداران فوتبال شهر بوشهر نشان می‌دهد، متغیرهای اهمیت و حساسیت نتیجه بازی از نظر کسب امتیاز و تعیین جایگاه تیمهای مورد علاقه در رده‌بندی مسابقات قهرمانی، حرکات خشونت آمیز و پرخاشجویانه بازیکنان هنگام بازی و کیفیت دآوری، عمدتاً بر بروز پرخاشگری کلامی طرفداران فوتبال تأثیر می‌گذارند. متغیرهای سن، میزان کنترل و نظارت خانواده، پایگاه اقتصادی و اجتماعی، تأثیر منفی بر گرایش طرفداران تیمهای فوتبال مورد مطالعه به رفتارهای پرخاشجویانه و خشونت آمیز دارند.

واژه‌های کلیدی: جامعه‌شناسی، ورزش، خشونت، اوبا شگری، پرخا شگری، وندالیسم، سوء کارکرد، تحلیل کارکردی -

ساختی

۱- کاتلسا رفه جمله شلیخ و موس دلشگاهها یما ز روح گناو لیتا بوشهو .

۲- دلشجو کا شلیخ ارفه توتیو بیو دلشگاا زادبوشهو .

مقدمه

ورزش و فعالیت‌های مربوط به آن، زمان و انرژی فراوانی از افراد هر جامعه را به خود اختصاص داده و جایگاه مهمی در فرهنگ جوامع پیدا کرده است. رقابت‌های ورزشی، ورزشکاران و تماشاگران را در وضعیت‌هایی قرار می‌دهند که ممکن است قواعد، هنجارها و تقسیم کار رایج به آسانی نقض و به رویارویی‌های پرخاشجویانه و خشونت‌آمیز منجر شود. آشکارترین نمونه‌ی رفتار خشونت‌آمیز بین طرفداران رشته‌های مختلف ورزشی، پدیده‌ی موسوم به "اوباشگری" است که امروزه به شکل نسبتاً سازمان یافته‌ای در کشورهای بسیاری که در زمینه ورزش پیشرفت چشمگیری داشته‌اند، به ویژه در اروپا رواج دارد. پژوهشگران و نظریه‌پردازان علوم اجتماعی دلایلی را مطرح و تفسیرهای متفاوتی در مورد رفتار اوباشگرانه و خشونت تماشاگران مسابقات ارائه داده‌اند که گستره‌ی آن، از دگرگونی‌های کلان اجتماعی تا عامل‌های خرد را دربر می‌گیرد. با گسترش تدریجی فرهنگ طرفداری و تماشاگری در ورزش، همچنین مسایل پرخاشگرانه آن نظر محققان و پژوهشگران را در سالهای اخیر به خود معطوف داشته است.

برخی از جامعه‌شناسان پرخاشگری را واکنشی غریزی به ناکامی و رقابت برای دستیابی به منابع می‌دانند، که عمدتاً از طریق برخورد بدنی تجلی می‌یابد. "اریش فروم" همه‌ی اعمالی را که سبب آسیب رساندن به شخص، شیئی یا جانور دیگر می‌شود یا با چنین قصدی صورت گیرد پرخاشگری می‌نامد "اسمیت" و "بوند" پرخاشگری را هر نوع رفتاری تعریف می‌کنند که به دیگری آسیب وارد می‌سازد. ارونسون خشم و پرخاشگری را عملی می‌داند که هدفش اعمال صدمه، آسیب و رنج است. در تعریفی دیگر از پرخاشگری چنین آمده است: "هر نوع رفتاری که معطوف به آسیب رساندن یا اعمال صدمه به فرد دیگر است و علیرغم میل وی صورت می‌گیرد.

براساس نظر بارون، پرخاشگری کنشی است که شامل هر دو شکل آسیب‌رسانی بدنی و روانی است، جنبه تعمدی دارد، امری تصادفی به شمار نمی‌آید، تنها شامل افراد انسانی می‌گردد، و در آن آسیب‌رسانی به اشیاء مورد نظر نیست. "برکویتز" نیز با تعریف پرخاشگری به عنوان آسیب رساندن عمدی به دیگری، می‌افزاید این آسیب ممکن است روانی یا فیزیکی باشد. خشونت معمولاً براساس شدت آسیب از پرخاشگری متمایز می‌شود و کنشی است که عامل آن به عمد تلاش برای آسیب‌رسانی فیزیکی به دیگری می‌نماید.

کاکلی "در تعریفی نسبتاً جامع از پرخاشگری آن را چنین تعریف می‌کند: "پرخاشگری ناظر به رفتاری است که با نیت تخریب اموال یا صدمه زدن به شخص دیگر انجام می‌شود و متضمن بی‌توجهی محض به سلامت دیگران و احتمالاً خود است؛ پیامدهای پرخاشگری ممکن است فیزیکی یا روان‌شناسانه باشد. وی آنگاه در تعریف خشونت و تمایز آن از پرخاشگری به کنش فیزیکی اشاره می‌کند: "خشونت، کنشی فیزیکی است که با بی‌توجهی کامل به سلامت خود و دیگران، یا به منظور آسیب رساندن به شخص دیگر یا تخریب دارایی‌ها انجام می‌شود.

بنابراین، می‌توان خشونت و پرخاشگری را از نظر مفهومی به عنوان کنش و عملی در نظر گرفت که از روی اراده و آگاهی، به منظور آسیب‌رسانی فیزیکی یا روحی - روانی به دیگری انجام می‌پذیرد. افزون بر این، در تعریف پرخاشگری و خشونت، به عامل بی‌توجهی به پیامدهای عمل که منجر به آسیب دیدگی دیگران یا خود می‌شود نیز تاکید می‌شود. بنابراین، خشونت با رفتار، کنش و کاربرد نیروی فیزیکی آسیب‌زا مشخص می‌گردد. همچنین، خشونت را می‌توان به مثابه تجلی افراطی و شدید خشم و عصبانیت به شکل احساسی یا کلامی در نظر گرفت.

پرخاشگری و خشونت به هم مرتبط هستند، اما وضعیت‌های متفاوتی را به وجود می‌آورند. پرخاشگری در عرصه‌ی فعالیت‌های ورزشی به شکل ابزاری و بازتابی یا کلامی و فیزیکی تجلی می‌یابد و از سوی افراد حاضر و شرکت‌کننده در رویدادهای ورزشی در قبال سایر بازیکنان، تماشاگران، مربیان، مقامات ورزشی، عامه‌ی مردم و اموال صورت می‌گیرد.

ادبیات و پیشینه تحقیق :

”پیترمارش“ و همکارانش در دانشگاه آکسفورد به دو نوع پرخاشگری، یعنی پرخاشگری واقعی و آیینی عقیده دارند. اولی را اعمال خشونت جسمانی علیه دیگران تعریف می‌کنند و دومی را کنایی یا نمادین می‌نامند. پرخاشگری آیینی محصول توافق در مورد مجموعه‌ای از قواعد است که از گفته‌های شرکت‌کنندگان در آن می‌توان استنباط کرد. قواعد درباره زمان مناسب حمله، شکل و اهداف حمله، و ختم آن است.

برخی محققین براساس شیوه‌ی تجلی پرخاشگری و خشونت، آن را به دو نوع کلامی و فیزیکی تقسیم‌بندی کرده‌اند. پرخاشگری کلامی در جریان تقابل و رویارویی دو فرد یا گروه و از طریق تهدید، جنجال، تمسخر و استهزاء و سخنان توهین‌آمیز بروز می‌کند. دانینگ و همکارانش در دانشگاه لیسه‌ستر با اشاره به فرضی و خیالی بودن تقسیم‌بندی‌های صورت گرفته در مورد انواع خشونت و پرخاشگری، حالت‌های مختلف آن را رفتار واقع بر طیفی می‌دانند که بازتاب آمیزه‌ای از فکر و احساس است و هیچ شکلی از خشونت در آن هرگز به صورت خالص یافت نمی‌شود. به بیان این پژوهشگران ”خشونت ابزاری می‌تواند هیجان انگیز هم باشد، یا خشونت عاطفی ممکن است طراحی یا تدارک شده باشد.

ارونسون با تمایز بین دو نوع پرخاشگری، یعنی پرخاشگری ابزاری و بازتابی یا عاطفی، امکان وقوع هر دو را در عرصه‌ی ورزش متذکر می‌شود. پرخاشگری بازتابی با هدف آسیب فیزیکی یا روانی انجام می‌شود. هدف از این نوع پرخاشگری که احساسی بوده، آسیب‌رسانی است. پرخاشگری ابزاری شامل ضرب و جرح و ایجاد درد و رنج به عنوان ابزاری برای دستیابی به یک هدف است که شکل محسوس آن می‌تواند دستیابی به هدف‌های گوناگونی مانند پاداش مادی، پیروزی، افتخار یا تحسین باشد. این نوع پرخاشگری، خشونتی غیراحساسی و هدف از آن انجام وظیفه است. دانینگ و همکارانش در دانشگاه لیسه‌ستر با اشاره به فرضی و خیالی بودن تقسیم‌بندی‌هایی که در مورد انواع خشونت و پرخاشگری صورت گرفته، حالت‌های گوناگون آنها را رفتارهایی می‌دانند که بازتاب آمیزه‌ای از فکر و احساس هستند و هرگز در آنها هیچ نوع خشونتی به صورت خالص یافت نمی‌شود. بنابراین، هرگاه طرفداران یک تیم ورزشی با هدف تضعیف روحیه بازیکنان تیم حریف بخواهند زمینه‌ای برای پیروزی تیم خود ایجاد کنند، شعارهای تحقیرآمیز می‌دهند یا به اصطلاح به پرخاشگری ابزاری مبادرت می‌ورزند. اما اگر طرفداران، اشیایی به سوی بازیکنان تیم حریف پرتاب، یا نزاع فیزیکی کنند، آنگاه گفته می‌شود مرتکب خشونت فیزیکی شده‌اند. حال اگر اتفاقی خلاف میل طرفداران یک تیم روی دهد- مانند خطای بازیکن تیم حریف روی بازیکن تیم محبوب یا تصمیم‌گیری داور به زیان تیم مورد علاقه در پاسخ رفتار یا اعمال پرخاشجویانه و خشونت آمیز از خود بروز میدهند، آنگاه مرتکب پرخاشگری بازتابی شده‌اند، این نوع پرخاشگری نیز می‌تواند کلامی یا فیزیکی باشد.

از جمله نظریه‌هایی که در سال‌های اخیر، توجه جامعه‌شناسان را در تبیین و تحلیل مسائل اجتماعی موجود در عرصه‌ی ورزش و رویدادهای مربوط به آن، از قبیل خشونت و پرخاشگری به خود معطوف کرده است، دیدگاه کارکردگرایی ساختی است. دیدگاه کارکردگرایی ساختی به نقش سیستم‌های اجتماعی یا جوامع، اجزاء، ساختارها، یا نهادهای مختلف در یکپارچگی، هماهنگی،

سازگاری و سلامت کل سیستم یا جامعه توجه دارد. براساس دیدگاه کارکردگرایی ساختی، نیروی محرکه‌ی موجود در کلیه‌ی جنبه‌های زندگی اجتماعی، تمایل هر سیستم اجتماعی به حفظ خود در وضعیتی متعادل است، به گونه‌ای که امکان استمرار عملکرد مؤثر آن را ممکن می‌سازد. این تعادل در راستای گسترش و شکل‌گیری وفاق، ارزش‌های مشترک و عملکرد هماهنگ در عرصه‌های اصلی زندگی اجتماعی (مانند خانواده، اقتصاد، دین، آموزش و پرورش، سیاست و...) است.

داده‌های یک پژوهش نشان می‌دهد بخش عمده‌ای از تماشاگران به پرخاشگری کلامی مبادرت می‌ورزند، و برخی، معادل ۶ درصد مرتکب خشونت نیز می‌شوند. میانگین خشونت و پرخاشگری ورزشی بین تماشاگران که مبادرت به پرتاب اشیاء به داخل زمین می‌کنند، بیش از دو و نیم برابر تماشاگرانی است که فقط به ناراحتی اکتفا کرده و واکنشی نشان نمی‌دهند.

ضرورت تحقیق :

اگرچه مشخص‌ترین کارکردهای اجتماعی نهاد ورزش تفریح، سرگرمی و کسب هیجان ذکر شده است، اما افزون بر این، کارکردگرایان ساختی کارکردهای دیگری مانند افزایش سازگاری روانی و اجتماعی افراد، جامعه‌پذیری با نقش‌های اجتماعی، همبستگی اعضای جامعه از طریق علائق و فعالیت‌های مشترک ورزشی، ایجاد هویت ملی و اجتماعی، و فراهم ساختن عرصه‌ای مناسب برای افزایش تحرک اجتماعی را نیز جزو کارکردهای مهم نهاد ورزش برمی‌شمارند، که نمایش اجتماعی ورزش تماشاگران، بینندگان، و ورزشکاران را در هر سن و موقعیت اجتماعی، تشویق به پذیرش ارزش‌های فرهنگی رایج می‌کند. برخی از این اندیشمندان با تأکید بر ورزش‌های جمعی و گروهی که بین جوانان انجام می‌شود، نتیجه می‌گیرند که مشارکت در چنین ورزش‌هایی، تجربه‌ها و درس‌های ارزشمندی در مورد زندگی به جوانان می‌آموزد. همچنین، فعالیت‌های ورزشی از طریق بازنمایی‌های جمعی اعضای یک جامعه را با یکدیگر پیوند می‌دهند. همچنین، فعالیت‌های ورزشی در جوامع صنعتی ساز و کاری است که افراد جامعه را از "با هم بودن" آگاه می‌سازد و به این ترتیب عاملی برای برقراری ارتباط اجتماعی بین آنها می‌گردد. در جوامع پیشرفته صنعتی، ورزش یکی از عرصه‌های محدودی است که افراد کماکان می‌توانند به تقویت مهارت‌های فیزیکی خویش و بهبود سلامت و تندرستی‌شان بپردازند.

جامعه‌شناسانی که با استفاده از دیدگاه کارکردگرایی ساختی به تحقیق و مطالعه درباره مسائل اجتماعی ورزش می‌پردازند، توجه خود را معطوف به این موضوع می‌کنند که ورزش با چه کارکردهایی و از چه طریق به تحقق نیازهای سیستمی - هم‌نوایی، انسجام و همبستگی، هدف‌یابی، و مدیریت تنشها و حفظ الگوها - کمک می‌کند. به این ترتیب، می‌توان اذعان نمود که در تئوری کارکردگرایی ساختی ارتباط بین مشارکت ورزشی و شکل‌گیری شخصیت اجتماعی مناسب یکی از محورهای مهم و مطالعه پژوهش به شمار می‌آید. در این مطالعه به بررسی این موضوع پرداخته می‌شود که آیا فعالیت‌های ورزشی می‌توانند تجربه‌هایی از جامعه‌پذیری ارائه کنند که از طریق آنها مردم ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی را فرا گیرند، و آیا فعالیت‌های ورزشی می‌توانند محیط‌هایی را ایجاد کنند تا مردم این امکان را بیابند با استفاده از شیوه‌های سودمند مبادرت به رهایی از تنش‌ها و ناکامی‌های خویش نمایند، به گونه‌ای که نظم و ثبات جامعه نیز حفظ شود فعالیت‌های ورزشی و عرصه‌های برگزاری آنها حیطةی مناسبی برای تخلیه سودمند انرژی پرخاشجویانه و خشونت‌آمیزی است که احتمالاً در سایر عرصه‌های زندگی اجتماعی مترکّم شده‌اند. خشونت و پرخاشگری در صورتی که خارج از ضوابط و مقررات حاکم بر میداین ورزشی صورت پذیرد، به عنوان "رفتاری کجروانه" و دارای کارکرد نامناسب تلقی می‌شود که بر ساختار نهاد ورزش و سیستم عملکردی آن پیامدهای سوء و منفی می‌گذارند. از این منظر، می‌توان خشونت و پرخاشگری را به عنوان رفتاری کجروانه که نتیجه کاستی در ترکیب اجزای مختلف تشکیل دهنده‌ی رفتار است مورد مطالعه قرار داد.

ورزش بخشی از یک سیستم ساختاری و کلان اجتماعی است که به همراه، و در کنار سایر نهادهای اجتماعی کارکرد و نقش موثر و سودمندی در حفظ نظم و ثبات اجتماعی دارا می‌باشد.

در صورتی که بین اهداف فرهنگی جامعه و ابزارهای نهادی تحقق آنها شکاف ایجاد شود، ثبات اجتماعی دچار اختلال می‌شود. مقاله‌ی حاضر به تفسیر و تبیین پدیده‌ی خشونت و پرخاشگری تماشاگران می‌پردازد.

علل و عوامل پرخاشگری در ورزشگاهها:

عواملی مانند وضعیّت تجرد/ تاهل، مصرف مواد مخدر، تعداد تماشاگران، سابقه‌ی برگزاری مسابقه بین دو تیم، کیفیت گذران اوقات فراغت، فروپاشی خانواده می‌تواند از علل پرخاشگری افراد باشد. همچنین، متغیرهای اهمیّت و حساسیّت نتیجه بازی از نظر کسب امتیاز و تعیین جایگاه تیم‌های مورد علاقه در رده‌بندی مسابقات قهرمانی، حرکات و اعمال خشونت آمیز و پرخاشجویانه بازیکنان در هنگام بازی، و کیفیت داوری عمدتاً بر بروز پرخاشگری کلامی طرفداران تیم‌های مورد اشاره تأثیر می‌گذارند. متغیرهای سن، میزان کنترل و نظارت خانواده، پایگاه اقتصادی و اجتماعی دارای تأثیر منفی و معناداری بر گرایش طرفداران تیم‌های ورزشی دارند، و متغیرهای سابقه‌ی دعوا و نزاع، سابقه‌ی تنش و ناکامی در فعالیّت‌های تحصیلی و آموزشی، مصرف مشروبات الکلی، مصرف سیگار، سابقه‌ی تنش در محیط خانواده، سابقه‌ی رفتار مجرمانه، داشتن دوستان و همسالان دارای سابقه‌ی جنایی، ارتباط با خویشاوندان دارای سابقه‌ی جنایی، عزیمت جمعی و گروهی به ورزشگاه، ارتباط با باشگاه و مسئولان آن، ناسازگاری انتظارات ورزشی با شیوه‌های تحقق آنها دارای تأثیر مثبت و معنادار بر گرایش به ارتکاب رفتارهای پرخاشجویانه و خشونت‌آمیز ورزشی طرفداران تیم‌های ورزشی می‌باشند.

تجربه‌ی حاصل از مشاهدات نشان می‌دهد که افزایش تعداد تماشاگران در ورزشگاه به گونه‌ای معنادار سبب افزایش پرخاشگری کلامی می‌گردد. در مجموع، این فرضیه که افزایش تعداد تماشاگران به تنهایی سبب افزایش خشونت و پرخاشگری ورزشی می‌گردد، تأیید نمی‌گردد و این امر هنگامی که با عامل‌های دیگری مانند سوء مدیریت، برنامه‌ریزی نامناسب و... همراه شود، احتمال شکل‌گیری رویدادهای خشونت آمیز و پرخاشجویانه را به وجود می‌آورد.

مشاهدات میدانی درباره رفتار تماشاگران هنگام برگزاری مسابقات و وقوع خطا از جانب بازیکنان تیم حریف روی بازیکنان تیم مورد علاقه چند نکته ذیل را نشان می‌دهد:

در صورتی که خطاهای انجام شده از جانب بازیکنان تیم حریف روی بازیکنان تیم مورد علاقه جزئی و غیرعمدی تشخیص داده شود، هواداران واکنش خاصی از خود نشان نمی‌دهند.

اگر طرفداران، خطای بازیکنان تیم حریف را عمدی و شدید تشخیص دهند، به تناسب واکنش‌هایی مانند فریادهای اعتراض، هو کردن، فحاشی، توهین و پرتاب اشیاء به داخل زمین و به سمت بازیکن خاطی انجام می‌دهند.

در برخی موارد واکنش‌های پرخاشجویانه و خشونت‌آمیز بازیکنان هنگام بازی به تماشاگران نیز سرایت می‌کند. در برخی موارد، بازیکنان پس از به ثمر رساندن گل به طرف تماشاگران تیم رقیب رفته و با انجام حرکات تحریک آمیز، واکنش‌های پرخاشجویانه

آنان را برمی‌انگیزانند. در مجموع، می‌توان اذعان نمود که برخی حرکات و رفتارهای بازیکنان در هنگام مسابقه احتمال بروز رفتارهای نابهنجار از سوی تماشاگران را به وجود می‌آورند، ولی شدت این رفتارها از پرخاشگری کلامی افزایش نمی‌یابد.

متغیرهای میزان کنترل و نظارت خانواده، و میزان تنش در محیط منزل، دو متغیری هستند که ضمن تعامل با یکدیگر به صورت غیرمستقیم بر تمایل به رفتار خشن و پرخاشجویانه تأثیر دارند. متغیر تنش در محیط منزل از طریق متغیرهای سابقه‌ی دعوا و نزاع، سابقه‌ی رفتار مجرمانه، میزان کنترل و نظارت خانواده، ناکامی و تنش در فعالیت‌های آموزشی و رضایت از امکانات و تسهیلات بر متغیر وابسته تأثیر می‌گذارند. سایر متغیرها نیز علاوه بر تأثیرات مستقیمی که بر متغیر وابسته دارند، به صورت غیرمستقیم نیز بر تمایل به ارتکاب رفتارهای خشونت‌آمیز و پرخاشجویانه تأثیر می‌گذارند.

بخش دیگری از یافته‌های این مطالعه به تأثیر مطبوعات بر خشونت ورزشی مربوط می‌گردد. تحلیل محتوای مطبوعات ورزشی، به ویژه مطبوعات ورزشی طرفدار تیم‌های ورزشی بیانگر این مطلب است که مطبوعات تلاش جدی و مفیدی برای آموزش رفتارهای مناسب در محیط ورزشگاه انجام نمی‌دهند. بررسی محتوای مطالب روزنامه‌های ورزشی طرفدار تیم‌های خاص نشان می‌دهد که به موازات نزدیک شدن به زمان برگزاری بازی دو تیم بزرگ، حجم مطالب مربوط به تیم و بازیکنان افزایش می‌یابد و در آستانه‌ی برگزاری دیدار دو تیم پر طرفدار به بیش از نیمی از کل حجم مطالب روزنامه‌ها می‌رسد.

نتیجه‌گیری:

بر اساس مواردی که ذکر شد، شدت و میزان پرخاشگری و رفتارهای خشونت‌آمیز با توجه به فرهنگ و مذهب کشورمان بسیار کمتر از کشورهای صاحب نام از نظر ورزشی است. یافته‌ها و مشاهدات مربوط به رفتارها و حرکات خشن و پرخاشجویانه‌ی طرفداران حاکی از این است که بخش عمده‌ای از این رفتارها و حرکات در مقوله‌ی پرخاشگری کلامی جای می‌گیرد و شکل مرسوم خشونت‌های فیزیکی که در سایر کشورها تحت تأثیر عامل‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی مانند مذهب، قومیت، طبقه‌ی اجتماعی و غیره بین طرفداران فوتبال رایج است، در بین آنان بسیار به ندرت رخ می‌دهد. یکی از وجوه تمایز مهم ساخت اجتماعی و فرهنگی طرفداران مسابقات ورزشی در ایران با سایر کشورها این است که طرفداران تیم‌های بزرگ مخصوصاً تیم‌های مرتبط با نهادها یا ارگان‌های خصوصی را با تفاوت نه چندان قابل ملاحظه‌ای می‌توان در کلیه‌ی خانواده‌ها، محلات، طبقات و گروه‌های مختلف اجتماعی ملاحظه کرد. همین امر را می‌توان یکی از دلایل مهم جامعه‌شناسانه‌ای تلقی کرد که سبب جلوگیری از شکل‌گیری تعارض‌های اجتماعی و فرهنگی جدی بین طرفداران فوتبال در شهر تهران و سایر شهرهای ایران شده است.

اختلال و سوءکارکرد در متغیرها و عامل‌هایی که بر فرایند جامعه‌پذیری مؤثر هستند سبب افزایش میزان گرایش جمعیت مورد مطالعه به ارتکاب رفتار و حرکات پرخاشجویانه و خشونت‌آمیز ورزشی می‌گردد. برخی از این متغیرها مانند مکانیسم‌های کنترل و نظارت بر رفتار توسط والدین، تنش در محیط خانواده و ارتباط با بستگان و خویشاوندان دارای سابقه‌ی جرم و کجروی، ناظر بر فرایند جامعه‌پذیری اولیه می‌باشند و دلالت بر اهمیت نهاد خانواده و کارکرد آن در شکل‌گیری رفتارهای مذکور دارند. عامل‌ها و متغیرهای دیگری نیز در گرایش طرفداران تیم‌های ورزشی به خشونت و پرخاشگری ورزشی نقش دارند که برخی از آنها مانند مکانیسم‌های ارتباط با باشگاه مورد علاقه، ارتباط با رسانه‌های ورزشی و ارتباط اجتماعی و ورزشی خود طرفداران با یکدیگر جزو عامل‌هایی محسوب می‌شوند که علاوه بر تأثیرگذاری بر جامعه‌پذیری ورزشی طرفداران، به اتفاق عامل‌های دیگر مانند سازگاری بین اهداف ورزشی و شیوه‌های تحقق آنها، و رضایت از امکانات و تسهیلات ورزشگاه، کنش و واکنش طرفداران را شکل می‌بخشند.

عامل‌هایی مانند اهمیت و حساسیت نتیجه‌ی بازی، حرکات و اعمال خشونت‌آمیز و پرخاشجویانه‌ی بازیکنان در هنگام برگزاری بازی‌ها، و کیفیت داوری تنها به صورت موردی و با توجه به وضعیت و شرایط حاکم بر بازی‌ها بر میزان خشونت و پرخاشگری ورزشی طرفداران تأثیر می‌گذارند. به طور کلی، می‌توان از دیدگاه کارکردگرایی ساختی این گونه نتیجه گرفت که نظام فرهنگی و اجتماعی، که باید به انتقال اطلاعات به سطوح پایین‌تر، یعنی نظام شخصیتی و ارگانیسم رفتاری، بپردازد دارای برخی کاستی هستند که بایستی در مطالعات و تحقیقات بعدی، توسط پژوهشگران مورد توجه قرار گیرد.

ورزش در ایران به مثابه یک کالای فرهنگی با مسایلی مواجه بوده که زمینه‌ی شکل‌گیری و بروز سوءکارکردها را فراهم ساخته است. ورزش به عنوان یک کالای فرهنگی شامل دو مجموعه عناصر مادی و غیرمادی است. هرچند که عناصر مادی این کالای فرهنگی مانند توپ، لباس، کفش، زمین بازی و غیره در حد امکان تأمین و فراهم شده است، اما در مورد عناصر غیرمادی آن مانند وجود یک سازمان بوروکراتیک با عملکرد عقلانی و پیروی از قواعد، مقررات و قوانین حاکم بر آن کاستی‌هایی وجود دارد. به عنوان مثال، علیرغم اینکه بخش‌های مختلفی با عناوین گوناگون در حیطه فرهنگی ورزش فعال هستند و تیم‌های باشگاهی نیز تحت عنوان باشگاه فرهنگی و ورزشی فعالیت می‌کنند، اما تاکنون در مورد نحوه رفتار تماشاگران و طرفداران فوتبال در ورزشگاه‌ها هیچ حرکت جدی و قابل ملاحظه‌ای صورت نپذیرفته است و به نظر می‌رسد واژه‌ی «فرهنگی» تنها نقش تزئینی و شعاری پیدا کرده است.

پیشنهادات:

پیشنهاد‌هایی کاربردی به منظور کاهش رفتار پرخاشجویانه و خشونت‌آمیز در میان تماشاگران ورزشگاه‌ها در این مجال ارائه می‌گردد:

میانگین سنی طرفداران در کل، و افراد خشونت طلب و پرخاشگر به طور خاص نشانگر تأثیر بالقوه‌ی دو نهاد خانواده و آموزش و پرورش بر این افراد است. تأثیر این دو نهاد را می‌توان به طور مستقیم در سه متغیر سابقه تنش و ناکامی در فعالیت‌های آموزشی، میزان کنترل و نظارت خانواده، و میزان تنش در محیط منزل و روابط متقابل آنها؛ و به طور غیرمستقیم در ارتباط متغیرهای مستقل دیگر مانند داشتن دوستان، و خویشاوندان مجرم نیز مشاهده کرد. به این ترتیب، ضمن پیشنهاد پخش برنامه‌های آموزشی مناسب برای طرفداران تیم‌های ورزشی در برنامه‌های ورزشی و اجتماعی پربیننده، پیشنهاد می‌شود برای افزایش میزان تأثیرگذاری پیام‌های آموزشی از چهره‌های محبوب و پرطرفدار تیم‌های ورزشی استفاده شود. افزون بر این، با توجه به تأثیر حایز اهمیت مدارس و گروه‌های همسالان که در محیط مدارس شکل می‌گیرند، پیشنهاد می‌شود که جزوه‌های آموزشی درباره‌ی رفتارهای مناسب در محیط‌های ورزشی تنظیم و در مدارس، به ویژه در ساعات ورزش، آموزش داده شوند.

یافته‌های این مطالعه نشانگر تأثیر معکوس پایگاه اقتصادی و اجتماعی بر رفتار خشونت‌آمیز و پرخاشجویانه طرفداران تیم‌های ورزشی است و اینکه بیشتر طرفدارانی که برای تماشای مسابقات تیم‌های مورد علاقه خویش به ورزشگاه مراجعه می‌کنند متعلق به طبقات متوسط به پایین هستند. وضعیت اقتصادی این افراد امکان دسترسی آنان به امکانات متنوع مربوط به گذران اوقات فراغت و بهره‌گیری مناسب از تسهیلات و امکانات آموزشی، پرورشی و تفریحی را در مقایسه با دیگران با محدودیت‌هایی مواجه می‌سازد. با توجه به دامنه‌ی سنی طرفداران و نیز امکانات مادی و فرهنگی آنان، حضور در ورزشگاه ضمن داشتن کارکردی هویت بخش، کارکرد تفریحی و گذران اوقات فراغت نیز دارد. پیشنهاد می‌شود مراسم و بازی‌های سرگرم کننده‌ی تفریحی –

فرهنگی با نشاط که مشارکت تماشاگران حاضر در ورزشگاه‌ها را برای ابراز هیجان و شادی به شکلی قاعده‌مند امکان پذیر می‌سازند در ورزشگاه‌ها برگزار شود. در این مورد می‌توان به پخش آهنگ‌های مفرح و با نشاط و در صورت امکان برگزاری بازیهای پرهیجان و پرتحرک قبل از آغاز بازی و بین دو نیمه اشاره نمود. شواهد مربوط به تجربه اجرای چنین برنامه‌هایی در دیگر کشورها، از جمله ، انگلستان، هلند، و غیره، نشانگر تأثیر سودمند آنها بر روحیه تماشاگران و طرفداران تیم‌ها در ورزشگاه‌ها است .

تأثیر متغیرهایی مانند سابقه‌ی دعوا و نزاع و نیز رفتار مجرمانه، ضرورت شناسایی عامل‌های خرابکاری را که دارای سوابق کیفری و جنایی هستند مطرح می‌کند. در این مورد پیشنهاد می‌شود مسئولان انتظامی ورزشگاه‌ها افزون بر شناسایی این قبیل افراد، متناسب با شرایط امکان برخورد قانونی با آنها را مورد توجه قرار دهند؛ یا از ورود آنان به ورزشگاه‌ها جلوگیری کند و یا اینکه مبادرت به کنترل و نظارت بر رفتار آنان در محیط ورزشگاه بکنند. در همین مورد، پیشنهاد می‌گردد که نیروهای انتظامی حاضر در ورزشگاه‌ها از توان بالا در مدیریت و کنترل رفتارهای جمعی و بعضاً بحرانی برخوردار باشند و به وسایل و ابزارهای کنترلی ترجیحاً نامحسوس، مانند دوربین‌های مدار بسته و ماموران مخفی برای شناسایی افراد خطا کار در محیط ورزشگاه مجهز باشند.

باتوجه به تأثیر متغیرهای "وضعیتی" پیشنهاد می‌شود فدراسیون ورزشی افزون بر چاپ و انتشار بروشور، اعلامیه، تابلوها و پوسترهای تبلیغاتی در محدوده ورزشگاه‌ها و ترویج و تبلیغ انگاره‌های مناسب رفتاری برای طرفداران، بازیکنان باشگاه‌ها را نیز در مورد تنظیم واکنش‌های شان هنگام ابراز هیجان در مواقع کامیابی یا ناکامی آموزش دهد تا از بروز خشونت‌ها و پرخاشگری‌هایی که متأثر از عامل‌های وضعیتی هستند جلوگیری به عمل آید. همچنین، فدراسیون‌ها در کنار آموزش‌های فنی و انجام آزمون‌های مربوط به آمادگی جسمانی برای ارزیابی عملکرد داوران، بیش از پیش باید به آموزش مسائل روان‌شناسانه و جامعه‌شناسانه به داوران توجه نماید. در واقع، داور یک بازی در هنگام قضاوت، علاوه بر اینکه باید واجد شرایط فنی و فیزیکی برای داوری باشد، به دلیل تأثیر وضعیتی قضاوتش بر رفتار بازیکنان و تماشاگران، ضرورت دارد از آموزش، توانایی و مهارت لازم برای نوعی مدیریت روانی و اجتماعی رفتار تماشاگران و دوستداران تیم‌های فوتبال نیز برخوردار باشد.

با توجه به نقش مؤثر رسانه‌ها در الگوسازی فرهنگی و ارتباط مؤثر آنها با مخاطبان، این امکان وجود دارد که مطبوعات ورزشی در کنار ایفای کارکرد اطلاع رسانی، مبادرت به آموزش مخاطبان خود در جنبه‌های مختلف کنند. این امر به ویژه در مورد مطبوعات ورزشی طرفدار یا وابسته به باشگاه‌ها بیشتر صدق می‌کند، چرا که اکثر طرفداران تیم‌های ورزشی ارتباط نسبتاً مستمری با این قبیل مطبوعات دارند. افزون بر این، مطبوعات مذکور این توانمندی را دارند که برای کاهش حساسیت‌های موجود پیرامون رقابت‌های تیم‌ها به گونه‌ای مؤثر وارد عمل شوند و افزون بر حساسیت زدایی، تلاش برای ایجاد ارتباط فرهنگی مناسب و آموزش رفتارهای جمعی به شکلی صحیح و متناسب با الگوهای مثبت فرهنگی و اجتماعی بنمایند. رسانه‌های ورزشی باید با اجتناب از نگرش قطبی، از پرداختن به مسایلی که باعث ایجاد توهم و انتظارات دور از ذهن و برتری طلبی کاذب بین مخاطبان می‌گردد خودداری ورزند.

با توجه به ارتباط هواداران پرشور با باشگاه‌های مورد علاقه‌شان و نیز بالاتر بودن میزان تمایل به رفتار پرخاشجویانه و خشونت‌آمیز بین این دسته از طرفداران، پیشنهاد می‌گردد انجمن‌ها و تشکل‌های رسمی یا نیمه رسمی توسط واحدهای فرهنگی باشگاه‌ها سازماندهی و فعال شوند و به همراه مطبوعات ورزشی روابط فرهنگی مناسبی بین باشگاه‌ها و هواداران آنها رواج یابد. از جمله مسایل مهمی که در این ارتباط باید مورد توجه مسئولان فرهنگی باشگاه‌ها قرار گیرد برگزاری برنامه‌های آموزشی، فرهنگی و

تفریحی برای طرفداران و استفاده از کارشناسان علوم رفتاری و اجتماعی برای ارائه آموزش‌های لازم درباره چگونگی کنترل و هدایت رفتار در وضعیت‌های هیجانی به طرفداران می‌باشد.

فدراسیون‌ها با همکاری باشگاه‌های طرفدار مبادرت به ساماندهی برنامه‌های مناسبی برای رفت و برگشت طرفداران به ورزشگاه کند. در چنین مواردی، با توجه به تمایل طرفداران به ابراز هیجان، واحدهای فرهنگی باشگاه‌ها می‌توانند با آموزش رهبران و سردسته‌های تماشاگران و قراردادن آنها در خودروهای حمل و نقل طرفداران، سرودهای مناسب و شاد را رواج دهند.

با توجه به تأثیر بسیار زیاد دو متغیر رضایت از امکانات و تسهیلات و سازگاری اهداف و شیوه‌های تحقق آنها بر تمایل به خشونت و پرخاشگری طرفداران فوتبال در ورزشگاه‌ها، پیشنهاد می‌شود که اقدامات مناسبی برای فراهم ساختن تسهیلات و امکانات فیزیکی و خدماتی برای تماشاگران و طرفداران فوتبال انجام گردد. محور این اقدامات باید معطوف به ایجاد امکانات مناسب برای دسترسی طرفداران به تسهیلات گوناگونی مانند سرویس‌های بهداشتی، محل‌های غذاخوری، مکان‌های نشیمن، بلیط مسابقات و دسترسی به وسایل ایاب و ذهاب به ورزشگاه باشد.

با توجه به تأثیر متغیرهای مستقلی مانند ارتباط با باشگاه، روابط با دوستان و همسالان، رضایت از امکانات و تسهیلات و رسانه‌های ورزشی، پیشنهاد می‌شود سازمان‌ها و نهادهایی که امکان تأثیرگذاری بر رفتار تماشاگران را دارند، یعنی باشگاه‌های ورزشی، فدراسیون‌ها، نیروی انتظامی، وزارت آموزش و پرورش، رسانه‌ها و مطبوعات ورزشی، در چارچوب ارتباطی متقابل با یکدیگر مبادرت به ارائه الگوهای رفتاری مناسب به نوجوانان و جوانان طرفدار نمایند.

سخن آخر اینکه، علیرغم عدم وجود معضل اجتماعی ناشی از رفتار طرفداران، ضرورت دارد قبل از تبدیل حرکات و رفتارهای خشونت‌آمیز و پرخاشجویانه گاه و بیگاه برخی از طرفداران به معضلی اجتماعی، که شواهد چند ساله اخیر بر نشانه‌هایی از آن هنگام برگزاری برخی مسابقات ملی دلالت دارد، برای ارتقای ظرفیت‌ها و امکانات فیزیکی و فرهنگی و با در نظر گرفتن اجزای کارکردی و ساختی مؤثر بر رفتار اجتماع طرفداران، برنامه‌ریزی‌های مناسب طراحی و اجرا گردد.

منابع

الف) فارسی

- ۱- ارونسون، الیوت (۱۳۶۹) "روانشناسی اجتماعی"، ترجمه‌ی حسین شکرکن، تهران، رشد .
- ۲- رحمتی، محمد مهدی (۱۳۸۰). عوامل جامعه‌شناسانه خشونت و پرخاشگری در فوتبال. دانشگاه گیلان.
- ۳- ریتزر، جورج (۱۳۷۴) "نظریه‌ی جامعه‌شناسی در دوران معاصر"، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، چاپ دوم، انتشارات علمی .
- ۴- ژانورن، پاتریس (۱۳۶۷) "وندالیسم، بیماری جهانی خرابکاری"، ترجمه‌ی فرخ ماهان، مجله دانشمند .
- ۵- فتحی، هوشنگ (۱۳۶۳) "فوتبال، خشونت، سیاست"، تهران، انتشارات مجرد .
- ۶- فروم، اریش (۱۳۶۱) "هنر عشق ورزیدن"، ترجمه پوری سلطانی، انتشارات مروارید .
- ۷- محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۷۹) "مبانی نظری و تجربی وندالیسم: مروری بر یافته‌های یک تحقیق"، نامه علوم اجتماعی ، دانشکده‌ی علوم اجتماعی دانشگاه تهران .

۸ - ویلیامز، جان؛ دانینگ، اریک؛ و مورفی، پاتریک (۱۳۷۹) "کندوکاوی در اوباشیگری در فوتبال"، ترجمه و تلخیص حسن افشار، تهران، نشر مرکز.

(ب) غیر فارسی

- ۹ Alderman R.B.(1974) "psychological Behavior in Sport", Philadelphia :W.B.Saunders.
- ۱۰ Argyle Michael(1993) "Bodily Communication", Routledge.
- ۱۱ Aronson Elliot(1995) "The Social Animal", W.H.Freeman and Company.
- ۱۲ Baron Robert and Byren Donn(1994) "Social Psychology :Understanding Human Interaction", Allyn and Bacon.
- ۱۳ Berkowitz Leonard (1986) "A Survey of Social Psychology", CBS College Publishing.
- ۱۴ Blanchard Kendall(1985) "The Anthropology of Sport", Bergin and Garvey Publishers, inc.
- ۱۵ Cashmore Ellis(1998) "Making Sense of Sports", Routledge.
- ۱۶ Cashmore Ellis(2000) "Sports Culture :An A-Z Guide", Routledge.
- ۱۷ Clarke R.V.G.(1991) "Tackling Vandalism", A Home Office , Research Unit Report ,London.
- ۱۸ Coakley Jay J.(1998) "Sport in Society : Issues and Controversies" McGraw-Hill Inc.
- ۱۹ Jarvie Grant and Maguire Joseph(1994) "Sport and Leisure in Social Thought", Routledge.
- ۲۰ Leonard Willbert Marcellus(1988) "A Sociological Perspective of Sport", New York , MacMillan Publishing Company.
- ۲۱ Nixon Howard L. and Frey James H.(1996) "A Sociology of Sport", Wadsworth Publishing Company.
- ۲۲ Russel Gordon W.(1993) "The Social Psychology of Sport", New York : Springer – Verlag.
- ۲۳ Sabini John(1995) "Social Psychology", W.W.Norton & Company Inc.
- ۲۴ Schaefer Richard T. and Lamm Robert P.(1992) "Sociology", McGraw-Hill , Inc.
- ۲۵ Smith Peter B. and Bond Michael Harris(1993) "Social Psychology Across Cultures : Analysis and Perspectives", Harvester Wheatsheaf.
- ۲۶ Wiggins James A. ,Wiggins Beverly B. and Vander Zanden James(1994) "Social Psychology", McGraw-Hill ,Inc.